



« درس ششم: امکان شناخت »

1. شناخت حسی را تعریف کرده و مثال بزنید. شناختی که ما با حواس پنجگانه نسبت به اشیاء و موجودات پیرامون خود پیدا می کنیم شناخت حسی نام دارد برای مثال می دانیم آب چیست و تفاوت درخت را با ماشین می دانیم و یا صدای خروس را از صدای گوسفند تشخیص می دهیم.

2. شناخت فرا حسی چیست؟ مثال بزنید. اندیشه و تفکر در باره ی مسائلی که فراتر از پیرامون و حواس ما هستند مثلا اندیشه در باره ی جهانی دیگر یا گذشته و آینده ، روح ، خدا و ..

3. ویژگی های شناخت را بنویسید و توضیح دهید.

الف) تدریجی بودن: شناخت ما به تدریج افزایش می یابد. ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم یعنی با آموختن و یادگیری در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم.

ب) محدود بودن: علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود باز هم شناخت ما بسیار محدود است یعنی ما آگاه هستیم در کنار دانسته ها و آموخته ها ، حقایق فراوان دیگری در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم.

ج) خطا پذیری: گاهی متوجه می شویم که بعضی از دانسته های ما درست نبوده و دچار خطا شده ایم یا می بینم که افراد مختلف در باره ی یک موضوع واحد نظرات و باورهای متفاوتی دارند.

4. معرفت شناسی به چه مباحث و موضوعاتی در فلسفه می پردازد؟ معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که به پدیده ی شناخت می پردازد و می کوشد به پرسشهایی در باره ابعاد گوناگون شناخت ، ابزارها و راه های معرفت ، امکان شناخت ، انواع شناخت و حدود و قلمرو آن پاسخ دهد.

5. تعدادی از فیلسوفان دوره اسلامی که در مورد مبحث شناخت نظر داده اند را نام ببرید.

ابن سینا، شیخ اشراق ، ملاصدرا و علامه طباطبایی

6. سه نفر از فیلسوفان دوره جدید اروپا را نام ببرید. دکارت، کانت و هیوم

7. شناخت یا معرفت چیست؟ مثال بزنید. معرفت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است برای مثال وقتی کسی می گوید توپ آنجاست به این معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است.

8. آیا ما می توانیم اشیاء و موجودات جهان را بشناسیم و به آن ها علم پیدا کنیم؟ توضیح دهید

بله امکان شناخت و معرفت امری بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و دلیل ندارد همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم یا لیوان آبی بر می داریم و می نوشیم یا از عمل کسی خوشحال و یا عصبانی می شویم گویای آن است که ما به امکان شناخت خود پی برده ایم.

9. کدام گروه امکان شناخت برای انسان را انکار کردند؟ چرا؟

سوفیست ها ، آنان به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و محاکم قضایی هر باطلی را حق

جلوه می دادند و به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق واقع باشد برسد.

10. عقیده ی گرگیاس درباره امکان شناخت را بیان کنید.

اولا چیزی وجود ندارد ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست
ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

11. شکاکیت مطلق به چه معناست؟ یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها.

12. آیا شکاکیت مطلق امکان پذیر است؟ چرا؟ خیر زیرا اگر کسی چنین نظری بدهد خودش گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

13. دانش بشر به چند صورت در حال پیشرفت و توسعه است؟ مثال بزنید

الف) از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید (مانند کشف سیارات و ستارگان جدید)

ب) پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن ها (منجمان قدیم فکر می کردند خورشید به دور زمین می چرخد و زمین مرکز جهان است اما منجمان جدید فهمیدند که زمین به دور خورشید در حال گردش است.)

نکات مهم درس

1. ما از طریق شناخت ، با اشیاء و پدیده های پیرامون خود ارتباط برقرار می کنیم.

2. انسان با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رود.

3. افلاطون و ارسطو در یونان باستان در مورد مبحث شناخت نظر داده اند.

4. گرگیاس یکی از سوفیست های بود که امکان شناخت را رد می کرد.

5. هم معنا و چیستی شناخت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است.

6. توجه ویژه کانت به مبحث شناخت باعث رشد بیشتر معرفت شناسی در اروپا شد.

7. شک کردن در توانایی خود برای شناخت برخی اشیاء ممکن است اما شک در امکان اصل شناخت و دانستن امکان پذیر نیست.

8. امروزه به علت طرح پرسشهای جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون معرفت شناسی به بخش مستقلی درآمده است که به آن نظریه معرفت می گویند.

9. معنا و مفهوم معرفت و شناخت روشن است و نیازی به تعریف ندارد، اگر ابهامی باشد از جهت کلمه و لغت است نه از جهت معنا و مفهوم.

10. اگر کسی معتقد به شکاکیت مطلق باشد گرفتار تناقض می شود.

پایان درس ششم